

بررسی آثار انقلاب اسلامی ایران بر موج سوم بیداری اسلامی (مطالعه موردی مصر و یمن)

علی مشهودی

عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی در دانشگاه پیام نور
sadra.mashhoudi@gmail.com

فاطمه محمودزاده (نویسنده مسئول)

دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا از دانشگاه
آزاد اسلامی واحد شهرضا
fateme.mahmoudzadeh83@gmail.com

محمد فلاح

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا
mohammadfalah93@gmail.com

چکیده

تداوم انقلاب اسلامی ایران الگویی مناسب پیش روی مسلمانان قرار داده و آنان را به حرکت در جهت تغییر فضای موجود متمایل کرده است. امروزه پس از گذشت سه دهه از انقلاب ایران شاهد اعتراضات و خیزش های مردمی در منطقه و شمال آفریقا هستیم.

هدف: پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر موج سوم بیداری اسلامی داشته است؟
روش: روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است.

فرضیه پژوهش: فرض بر این است که تأسیس نظام سیاسی براساس مذهب و خدامحوری در ایران الگوی قیام های مردم منطقه برای پیاده کردن نظام های سیاسی مبتنی بر اسلام شده است.

یافته ها: یافته های پژوهش می بین آن است که موج بیداری اسلامی پایه های حکومت های موروثی و استبدادی و دست اندازی قدرت های بیگانه را هدف قرار داده و فریادهای آزادی خواهانه سراسر منطقه از تجربه موفق جمهوری اسلامی الهام گرفته است.

واژه گان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران؛ بیداری اسلامی؛ هویت اسلامی؛ مصر؛ یمن.

بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهش‌گران معتقدند که انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر اسلامی در جوامع مسلمانان بوده‌است. مردم ایران قبل از وقوع انقلاب اسلامی به دنبال هویت دینی خود بودند و با وقوع انقلاب این موضوع به نتیجه رسید. مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی، احیای دین و عرضه الگویی بدیع، مبتنی بر هویت دینی و ملی ایران بود. کشورهای مصر و یمن موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک ویژه‌ای دارند؛ به همین دلیل، قدرت‌های استعماری و بزرگ همواره به تحولات این دو سرزمین توجهی ویژه داشته‌اند و درصدد نفوذ در این کشورها بوده‌اند. شیعیان زیدی بیش از ۳۵ درصد از جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند. آن‌ها در طول تاریخ این کشور دچار افت و خیزهای بسیاری شده‌اند؛ به گونه‌ای که از دهه ۱۹۶۰ به بعد، زیر فشار حاکمان، از کمترین حقوق اجتماعی نیز محروم بوده‌اند و در انزوای شدید ژئوپلیتیک قرار داشته‌اند. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، زمینه گسترش تدریجی ژئوپلیتیک شیعه در یمن و خروج شیعیان از انزوا فراهم شد.

آنچه در بهمن ۱۳۸۹ (۲۰۱۱) در مصر رخ داد، حرکتی فراگیر، خودجوش و مردمی مشابه انقلاب ایران بود که در نتیجه چند دهه تحقیر ملی به وجود آمد و به حکومت سی ساله حسنی مبارک پایان داد.

هر انقلابی در جهان الگویی دارد. انقلاب‌ها و تحولات رخ داده در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از سال ۲۰۱۱ به بعد نیز الگو و پیش‌زمینه دارند. بخش زیادی از جمعیت کشورهای منطقه را مسلمانان تشکیل می‌دهند. آن‌ها انقلاب اسلامی ایران را الگوی خود قرار داده‌اند.

از نظر نویسندگان این مقاله، بیداری اسلامی سه موج دارد که در زمان حاضر، شاهد موج سوم آن یعنی انقلاب و بیداری در کشورهای عربی منطقه هستیم. موج اول بازمی‌گردد به دوره سیدجمال‌الدین اسدآبادی و موج دوم هم انقلاب اسلامی ایران است. در همین راستا پژوهش حاضر در تلاش است تا با بهره‌گیری

از نظریه بیداری اسلامی، به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران به عنوان موج دوم بیداری بر انقلاب‌های مصر و یمن به عنوان موج سوم بیداری بپردازد. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. فرضیه مقاله هم بدین صورت طرح شده است که تأسیس نظام سیاسی براساس مذهب و خدامحوری در ایران الگوی قیام‌های مردم منطقه برای پیاده کردن نظام سیاسی مبتنی بر اسلام شده است.

۲- چارچوب نظری: بیداری اسلامی

«بیداری» واژه‌ای فارسی و مرادف واژه‌های بصیرت، علم و معرفت در زبان عربی است. براین اساس، بیداری ضد خواب است و در معنای فعال شدن هوش (آگاهی) به کار می‌رود. بیداری در معنی عام به حالتی اطلاق می‌شود که قدرت درک و انتخاب را به انسان می‌دهد. اسلام دین بیداری است. کلمه «اسلامی» هم به مفهوم تبعیت و پیروی از آموزه‌های برترین دین الهی است (سراج و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۲). بنابراین بیداری اسلامی همان «احساس هویت اسلامی» نیرومندی است که ملت‌های مسلمان را در سراسر جهان به مطالبه همه‌جانبه حضور اسلام در زندگی دعوت می‌کند و حاصل تلاش مصلحان، شهدا، مخلصان و انسان‌های والایی است که نگذاشته‌اند این پرچم پرافتخار به زمین بیفتد (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۱۳).

خواججه‌سروی، بیداری اسلامی را این‌گونه تعریف کرده است:

«بیداری اسلامی به معنای حیات برتر و یا تلاش برای دستیابی به آن است و این حیات، تنها از دین قابل دریافت است. بیداری اسلامی زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی، بار دیگر زنده می‌شود و یا حیات می‌یابد. بیداری و احیای اسلامی، زنده داشتن انسان و حیات اجتماعی بر مبنای دین و به شیوه دینی است» (خواججه‌سروی، ۱۳۹۱، صص ۹۷-۹۸).

هم‌چنین مقام معظم رهبری درباره بیداری اسلامی می‌فرمایند: «بیداری اسلامی راهی است که می‌تواند ملت اسلام را به آرمان‌های حقیقی خود برساند»

(بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱)؛ بنابراین بیداری اسلامی اصطلاحی است برای بیان جنبشی مبتنی بر آگاهی، عمل سیاسی، و بر بنیاد اسلام خواهی که هدف آن استقرار نوعی نظام سیاسی است که از مبانی و مبادی معرفتی-هویت‌اصیل دینی برآمده باشد و با الگوی اسلامی مملکت‌داری در تعارض نباشد (احمدی قزوینی و میرشفیعی لنگری، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸). در تقسیم‌بندی‌ای کلی، بیداری اسلامی را به شکل ساده در سه دسته می‌توان تعریف کرد:

- ۱- بیداری‌ای که بیدارگر آن، اسلام و آموزه‌های اسلامی باشد؛
 - ۲- بیداری‌ای که در طول آن، اصول و ارزش‌های اسلام مطالبه شود؛
 - ۳- بیداری از خوابی که در نتیجه غفلت و رویگردانی از فرهنگ و آموزه‌های دینی بر جامعه رفته‌است (خواج‌سروی و یعقوب‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹).
- نداشتن استقلال، استعمارزدگی، وابستگی به قدرت‌های بزرگ، تاراج منابع و معادن توسط بیگانگان، ضعف خارجی و نداشتن امنیت داخلی، مطابقت نداشتن ارزش‌های دولتی با فرهنگ اسلامی، پدیدارشدن دوگانگی میان ارزش‌های اسلامی و وابستگی‌های قومی و ملی، و بسیاری تبعات منفی دیگری که ضعف دولت‌های ملی را نمایان کرد، زمینه‌ساز فکر بیداری اسلامی شد (فرهادی، ۱۳۹۰، ص ۷۶)؛ ولی اگر به‌دقت به ماهیت این نهضت‌ها بنگریم، ملاحظه می‌کنیم که آنچه بیش از همه به پیدایش چنین جنبش‌هایی دامن زده، حس اسلام‌گرایی و تمایل به ارزش‌های اسلامی است (صالحی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۷).

عواملی هم‌چون استقرار و ثبات حکومت اسلامی در ایران و نیز استقلال و پیشرفت‌های علمی و فناوری ایران، در کنار حضور فعالش در مناسبات سیاسی منطقه و جهان، در گرایش ملت‌های منطقه به تشکیل حکومتی مبتنی بر اصول و احکام اسلامی، بی‌تأثیر نبوده‌است (قربانی شیخ‌نشین و کارآزما، ۱۳۹۱، ص ۷۹). بیداری اسلامی ابتدا به‌صورت اعتراضات خیابانی، در تونس ظهور کرد و به سقوط دیکتاتور این کشور انجامید و سپس دیگر کشورهای عربی را یکی پس از دیگری تحت تأثیر قرار داد و آن‌ها را به اعتراض علیه حکومت‌های خود واداشت. در این رابطه

باید توجه داشت که زمانی فرایند تسری یک تحول رخ می‌دهد که شباهت‌هایی میان دو طرف وجود داشته باشد (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۶۹). اسلام‌خواهی و ماهیت مذهبی، حضور جوانان در میدان مبارزه، نوع ساختار نظام‌های سیاسی، تضاد ایدئولوژی هیئت حاکمه با فرهنگ عمومی جامعه، استکبارستیزی و نفی وابستگی به نظام سلطه، مردمی‌بودن، شیوه مبارزه و... از وجوه تشابه بیداری اسلامی با انقلاب اسلامی ایران است (خواجeh‌سروی، ۱۳۹۱، صص ۱۰۰ - ۱۰۵).

۱-۲- زمینه‌های بیداری اسلامی

بیداری اسلامی در عصر حاضر پدیده‌ای متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی است و در قالب جنبش‌های اجتماعی، سازمانی و نهادهای نظامی مدعی رخ نموده‌است. این جریان علاوه بر اثبات موجودیت و نفوذ خود در عرصه منازعات سیاسی و امنیتی به قدرتی بی‌رقیب و نقش‌آفرین در سطح جهانی تبدیل شده‌است. در ظهور، قوام و توسعه پدیده بیداری اسلامی عوامل داخلی و خارجی فراوانی دخیل بوده‌اند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

عوامل داخلی

مهم‌ترین عوامل داخلی عبارت‌اند از:

۱- تضاد ایدئولوژیکی هیئت حاکمه با فرهنگ عمومی جامعه: برای نمونه، در مصر اکثریت جامعه را مسلمانان تشکیل می‌دهند، ولی حکومت حسنی مبارک بدون توجه به عقاید و خواسته‌های مردم، مروج ارزش‌های غربی در جامعه بود (خواجeh‌سروی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴).

۲- تحول فکری - فرهنگی اعراب: از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، همراه با آغاز استقلال کشورهای عربی، دوره‌ای از نوسازی در این کشورها شروع شد. نوسازی، رسانه‌های جمعی، مهاجرت و توریسم، سه عامل نقش‌آفرین در تحول فکری-فرهنگی جامعه عرب بوده‌اند (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۶۶).

۳- استبداد نظامی: حاکمان کشورهای عربی خاورمیانه برای بقای خود، در جهت

تخریب روندموکراسی و نادیده‌انگاشتن آزادی‌های عمومی گام برمی‌داشتند و به محض ملاحظه اندک خلاقیتی، با جدیت تمام در جهت سرکوب آن می‌کوشیدند (فلاح و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲)؛ مانند حکومت ۳۰ ساله حسنی مبارک در مصر و حکومت بیش از ۳۰ سال علی عبدالله صالح در یمن.

عوامل خارجی

در ادامه به چند عامل خارجی زمینه‌ساز بیداری اسلامی اشاره می‌شود:

۱. سیاست خارجی صلح‌جویانه در قبال رژیم صهیونیستی: بی‌توجهی به موضوع فلسطین در سیاست خارجی و برقراری روابط صلح‌جویانه با اسرائیل را می‌توان از جمله دلایل وقوع بیداری اسلامی در کشورهای چون تونس، مصر و برخی دیگر از کشورهای اسلامی عربی دانست. رابطه نزدیک مصر با رژیم صهیونیستی که سبب کاهش هزینه‌های امنیتی اسرائیل شد، یکی از عوامل مهم بیداری مسلمانان در این کشور بوده است (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۶۹).

۲. وابستگی به غرب: یکی از اصلی‌ترین روش‌های حاکمان این کشورها قبل از انقلاب‌های مردمی وابستگی به غرب به‌ویژه به آمریکا بود. حاکمان این کشورها به علت نداشتن پایگاه مردمی در بین ملت خود به دنبال متحدی قدرتمند بودند تا ادامه سلطه خود را تضمین کنند و چند روز بیشتر بر سریر قدرت باقی بمانند. سرنگونی حکومت‌های وابسته به غرب در این منطقه استراتژیک با حضور مردم در صحنه، سبب گشایش فصلی جدید از مشارکت سیاسی مردم در این کشورها شد (خواججه‌سروی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵).

۳. انقلاب اسلامی ایران: مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران برای ملت عرب آگاهی از قدرت خویش برای مطالبه حقوق پایمال شده بود. پیام انقلاب اسلامی موجب شکل‌گیری نیرویی بالنده در ملت عرب شد و آن‌ها را در مسیر بیداری اسلامی و اعتراض به حکومت‌های استبدادی‌شان قرار داد (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷۰).

۳- امواج بیداری اسلامی

بیداری اسلامی پدیده‌ای تازه نیست که با شروع تحولات دنیای عرب از سال ۲۰۱۱ به وجود آمده باشد؛ بلکه از تاریخ غنی و پشتوانهٔ تئوریک قوی برخوردار است. به‌طور کلی، جریان بیداری اسلامی در دوران معاصر را به سه موج عمده می‌توان تقسیم کرد:

۳-۱- موج اول: سیدجمال‌الدین اسدآبادی

موج اول بیداری اسلامی با مبارزات بنیادین سیدجمال‌الدین اسدآبادی و دیگر مجاهدان معاصر آغاز شد؛ افرادی که در پی تغییر وضع موجود دنیای اسلام به وضع مطلوب بودند. آنان تبعیت از دستورات بنیادین اسلام و اجرای آن را، راه‌حل برون‌رفت از وضعیت موجود آن زمان می‌دانستند (خرم‌شاد و کیانی، ۱۳۹۱، ص ۳۹). سیدجمال‌الدین اسدآبادی متفکر پیش‌گام جنبش‌های اسلامی در دورهٔ معاصر و مصلح اندیشه در مشرق‌زمین، یکی از چهره‌های نامداری است که در دورهٔ بحران جوامع اسلامی با درک درست خود از چالش‌های پیش‌روی مسلمانان، آگاهانه و هوشیارانه با «مدرنیتهٔ غربی» برخورد کرد و در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بیشتر کشورهای اسلامی مشارکتی فعال داشت.

موج اول بیداری اسلامی با بهره‌مندی از آرا و اندیشه‌های بیدارگرانی بزرگ نظیر شیخ محمد عبده، اقبال لاهوری، حسن البنا، بشیرالابراهیمی، سنوسی، ملاسعید نورسی، سیدمحمدباقر صدر و... به شکل‌گیری سازمان‌ها و تشکل‌های اسلامی فعال و کارآمدی نظیر اخوان‌المسلمین در جهان عرب، جماعت اسلامی در شبه‌قاره، و فدائیان اسلام در نهضت اسلامی ایران انجامید. رهبران فکری و عملی موج نخست بیداری اسلامی، تبعیت از دستورات بنیادین اسلام و اجرای آن را، راه‌حل برون‌رفت از وضعیت آن زمان می‌دانستند. این تجربهٔ ارزنده، زمینه‌ساز موجی عظیم‌تر به رهبری امام‌خمینی در جهان اسلام شد که اثراتی به‌مراتب عمیق‌تر، گسترده‌تر و پایدارتر از موج اول داشت (عبداللهی، ۱۳۹۲، اقتباس از خبرگزاری فارس).

به‌طور کلی آنچه سیدجمال‌الدین اسدآبادی مطرح کرد استراتژی و راهبرد مبارزه برای استقلال، توسعه و پیشرفت در جهان اسلام بود. او بر اصولی برای تحقق این هدف بزرگ تأکید داشت که عبارت‌اند از: مبارزه با استبداد و خودکامگی، بازگشت به اسلام اصیل و اولیه، لزوم مبارزه با استعمار خارجی، ضرورت اتحاد جهان اسلام، بازگرداندن روحیه جهاد و مقاومت و مبارزه به جامعه اسلامی (جهان‌بین، ۱۳۹۱، صص ۱۲۷-۱۲۸).

حمید عنایت درباره تأثیر سیاسی سیدجمال بر جنبش میهن‌پرستان مصر می‌نویسد: «سید در رهبری این جنبش، سهمی بزرگ داشت، به‌خصوص که بسیاری از نویسندگان و روزنامه‌نگاران مصری که در بسیج و بیداری افکار عمومی می‌کوشیدند، مرید او بودند» (عنایت، ۱۳۷۶، ص ۸۳).

۲-۳- موج دوم: انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی یعنی احیا و تعمیق عقاید و احکام اسلامی در افکار فرد و جامعه به‌صورت صریح و همراه با خشونت و خونریزی در جهت نیل به کمال انسانی و اسلامی (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۵). نقطه آغازین این انقلاب و نخستین جرقه آتش آن در خرمین رژیم شاهنشاهی، چاپ مقاله‌ای توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات در دی‌ماه ۱۳۵۶ بود (مسعودی، ۱۳۹۱، ص ۲). در پی این اتفاق، تظاهراتی مردمی در شهر قم در اعتراض به توهین به رهبر دینی (آیت‌الله خمینی) آغاز می‌شود. با سرکوب این تظاهرات توسط رژیم شاه، اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف ایران شکل می‌گیرد. رهبری این حرکت با امام خمینی است که از شبکه روحانیت و مساجد کمک می‌گیرد و ایدئولوژی آن، اسلام و به‌طور خاص مذهب شیعه است. حرکت اعتراضی و ساده اولیه تغییر شکل می‌دهد و تغییر رژیم سیاسی و سرنگونی رژیم پهلوی به یکی از تقاضاهای بنیادین حرکت تبدیل می‌شود. با سرکوب این حرکت به‌دست رژیم شاه، تظاهرات مردم به‌شکل انقلابی و گسترده استمرار می‌یابد. شاه به‌ناچار در ۲۶ دی‌ماه ۵۷

ایران را ترک می‌کند؛ امام خمینی در ۱۲ بهمن ۵۷ به کشور بازمی‌گردد و انقلاب در ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی می‌رسد؛ این یعنی آغاز تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه ایران بر پایه اسلام (خرم‌شاد، ۱۳۸۷، صص ۱۹-۲۰).

به‌گفته راشد الغنوشی - متفکر و رهبر حزب اسلام‌گرای النهضة تونس - انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی^(۵)، نمایانگر تحولی بزرگ در سطح بین‌المللی و منطقه بودند که حق پدیده‌ای به این گستردگی را نمی‌توان با سخنانی کوتاه ادا کرد. الغنوشی بر این اعتقاد بوده‌است که با وجود اینکه پایگاه اصلی انقلاب اسلامی را مذهب شیعه تشکیل می‌دهد، ولی این انقلاب به جریانی فراگیر و اَبسته‌است که هدف آن برانگیختن روح اسلامی، بیداری امت و هدایت آن تا مرحله رهبری تمدن جهانی است (اخوان کاظمی و مشتاقی، ۱۳۹۲، ص ۴۳).

البته انقلاب اسلامی ایران را نباید فقط جریانی در قالب انقلاب شیعی قلمداد کرد. به‌همین دلیل وقوع انقلاب اسلامی باعث شد تا اسلام سیاسی به‌عنوان ایدئولوژی رقیب اسلام میانه و غیرانقلابی در منطقه خاورمیانه، بیش از گذشته مطرح شود. انقلاب اسلامی نه فقط به برتری نهضت‌های اسلامی بر نهضت‌های غیرمذهبی منطقه منجر شد، بلکه دو تحول اساسی دیگر را نیز در پی داشت: اول اینکه احزاب ملی‌گرا و چپ‌گرا را به تفکر درزمینه الگوگیری از موج اسلام‌گرایی و یا همراهی با آن وادار کرد؛ دوم اینکه با آن دسته از نهضت‌های اسلامی که کمتر به عمل‌گرایی و پرهیز از تقیه سیاسی توجه می‌کردند به رقابت برخاست (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۷۳).

اهمیت بحث درباره انقلاب اسلامی، در تحولات ژئوکالچریک جهان اسلام در این است که انقلاب اسلامی، به‌عنوان «نخستین قیام بزرگ علیه نظام‌های زمینی» و فراگیرترین و مدرن‌ترین قیام در جهان اسلام توانست با وصل کردن خود به ریشه‌های اصیل دینی، به‌صورت یک بدیل زنده سیاسی جلوه کند. در کانون گفتمان انقلابی، اسلام به‌عنوان یک دالّ استعلایی (دلالت‌کننده برتر؛ راهنمای برتر) تمامی زوایا و زمینه‌های زندگی آدمی را دربر گرفت، سیاست

را هم‌نشین دیانت کرد، هر دو را ریسمانی عرفانی بخشید و هر سه را در کنش اجتماعی در منزلت تئوری راهنمای عمل نشانند (تاجیک، ۱۳۷۹، ص ۱۷۹).

درواقع بیداری اسلامی عصر امروز با تأثیر از نهضت فکری جمهوری اسلامی، در قالب جنبشی اجتماعی و سازمان‌دهنده ظاهر شده‌است. بی‌تردید انقلاب اسلامی عامل عمده بیداری اسلامی بوده‌است و نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملل مسلمان منطقه ایفا کرده‌است. این جنبش‌ها تحت تأثیر انقلاب ایران و ایدئولوژی اسلامی ایران می‌توانند به افزایش حاکمیت‌های مذهبی در کشورهای خاورمیانه و نفوذ بیشتر ایران منجر شوند (Nordland and Kirkpatrick, 2011, p8). هم‌ترین نوآوری انقلاب اسلامی این بود که ساختار نظام سلطه را با تکیه بر ابزار قدرت معنوی برهم ریخت و نشان داد که می‌توان با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و حرکت‌های مردمی به قدرت رسید و جامعه را اداره کرد (خرم‌شاد و کیانی، ۱۳۹۱، ص ۳۹). پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ زلزله‌ای در سطح منطقه‌ای و حتی بین‌المللی پدید آورد و به دلیل جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی، این تغییر ۱۸۰ درجه‌ای در راهبردها و رویکردهای سیاسی ایران باعث درهم‌ریختن همه معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی شد (مهتدی، ۱۳۸۵، ص ۲۰).

نجفی و بلندیان در مقاله خود، ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی را در چهار قسمت بیان داشته‌اند:

۱. انقلاب اسلامی ایران و خیزش جهان اسلام: تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های مختلف مسلمان در کشورهای مختلف غالباً در فعالیت‌های خود، اسلام و باورهای دینی را کنار گذاشته بودند و مبانی حرکت خود را براساس مکاتب غربی استوار کرده بودند. چون حرکت براساس این مکاتب با باورهای مسلمانان سازگاری نداشت، با شکست همراه شده بود و ناامیدی را در این جوامع به همراه آورده بود (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲، صص ۱۹۲-۱۹۳).
۲. انقلاب اسلامی ایران و احیای هویت مسلمانان: انقلاب اسلامی نقطه عطفی در احیای هویت دینی مسلمانان پدید آورد، چون در زمانی به پیروزی

رسید که جوامع اسلامی و مسلمانان در رکود و رخوت به سر می‌بردند (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲، صص ۱۹۳-۱۹۴).

۳. انقلاب اسلامی ایران و افزایش آگاهی مسلمانان مصر و یمن: اصلاح باورهای غلط مسلمانان درباره جایگاه دین و نقش اسلام در اداره جوامع، از جمله مواردی است که نهضت امام خمینی^(ره) و انقلاب اسلامی ایران به کمک آن توانست تأثیراتی عمیق در میان مردم مصر و یمن برجای گذارد (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲، ص ۱۹۵).

۴. انقلاب اسلامی ایران و ایجاد باور امکان‌پذیر بودن تغییر: ایجاد امید به امکان‌پذیر بودن تغییر از اساسی‌ترین جنبه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی است. به بیان رویوران: «مهم‌ترین عنصر دگرگون‌ساز در بیداری اسلامی، تحول گسترده در باورهای سیاسی جوامع است؛ بدین نحو که ذهنیت «ناممکن بودن تغییر» به باور جدید «امکان تغییر» دگرگون شده است. این دگرگونی نتیجه حوادث بزرگ منطقه در دو دهه اخیر است که امکان‌پذیر نبودن تغییر را به چالش کشید و آن را تغییر داد» (رویوران، ۱۳۹۰).

۳-۳- موج سوم: بیداری اسلامی در مصر و یمن

خاورمیانه و شمال آفریقا از سال ۲۰۱۰ به بعد با تأثیرپذیری از امواج اول و دوم بیداری اسلامی شاهد تغییر و تحولاتی برق‌آسا بود. این تحولات در مصر و یمن هم روی داد؛ کشورهایی که دارای سابقه طولانی تاریخی و اسلامی دارند و از لحاظ ژئوپلیتیکی و استراتژیکی برای غرب بسیار مهم‌اند (عبداللهی، ۱۳۹۲). این تحولات با ویژگی‌های مشترک ضد استبدادی، ضد استعماری، اسلام‌گرایانه و مردمی بودن آغاز شد (هزاوه‌ای، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳). با وجود تلاش برخی کشورهای منطقه، اروپا و آمریکا برای انحراف پیام‌ها، و اهداف و سمت‌وسوی موج سوم بیداری اسلامی، مراجعه به خواست‌ها و مطالبات مردم کشورهای مصر، تونس، بحرین، یمن، لیبی و... مانند برگزاری نماز جمعه و دادن شعار الله اکبر مبین آن است که نقش اسلام را در شکل‌گیری دور جدید بیداری اسلامی نمی‌توان نادیده گرفت (عبداللهی، ۱۳۹۲).

۳-۳-۱- انقلاب مصر و تأثیرپذیری از موج دوم بیداری اسلامی (انقلاب اسلامی ایران) به دنبال قیام مردم تونس، اولین کشوری که به سرعت متحول شد، مصر بود؛ بدین نحو که با اجتماع چند هزار نفری مردم در میدان التحریر قاهره، حرکت میلیونی مسلمانان علیه رژیم مبارک آغاز شد (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳). خیزش مردمی مصر علیه نظام دیکتاتوری مبارک در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ (روز ارتش) با فراخوانی گروهی از جوانان مسلمان به نام «۶ آوریل» تحت عنوان «روز خشم» آغاز شد و به سقوط نظام منجر شد. گروه‌های اسلام‌گرا، از جمله اخوان المسلمین نیز از این جنبش حمایت کردند و در مراحل بعدی به آن پیوستند و به بخش مهمی از آن تبدیل شدند (امیر عبداللہیان، ۱۳۹۲، صص ۱۷۴-۱۷۵).

حسن بشیر و همکارانش که بیداری اسلامی را در رسانه‌ها بررسی کرده‌اند، به این نکته اشاره دارند که طیف وسیعی از رسانه‌های مختلف جهان، دموکراسی‌طلبی را ریشه این انقلاب دانسته‌اند و حتی صراحتاً بیان کرده‌اند که این انقلاب، انقلابی لائیک است؛ ولی آنچه که از شعارها و نمادها، نماز خواندن در خیابان، برگزاری نماز جمعه، نقش تشکل‌های اسلام‌گرا هم‌چون اخوان المسلمین در هدایت این قیام، گشایش گذرگاه رفح میان مصر و نوار غزه بر اثر فشار مردم و موضع‌گیری‌های ضداسرائیلی و آمریکایی مردم مصر در این کشور برداشت می‌شود، از درون‌مایه اسلامی قیام مردم مصر حکایت دارند (بشیر و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۷).

هدف از این انتقال قدرت در کشورهای عربی به ویژه مصر، این است که به خواسته‌های دموکراتیک مردم و مخاطرات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی جدید ناشی از تغییرات اجتماعی در حال حاضر و آینده پاسخ داده شود. این موضوع به بهبود رشد اقتصادی و کاهش فساد منجر می‌شود (Trabelsi, 2014, p225). عار محبوبی که انقلاب‌های عربی به ویژه انقلاب مصر برای خود انتخاب کردند، شعار «انقلاب مسالمت‌آمیز و مدنی» بود. حضور دین در انقلاب مصر شکل‌های گوناگونی به خود گرفت. این شکل‌ها بین حضور نمادین، حضور سیاسی، حضور نهادی و حضور بسیج‌کنندگی در نوسان بوده‌است (نیک‌فر و عوض‌پور، ۱۳۹۱، صص ۸۹-۹۰).

لینا اندرسون می‌گوید: «ناتوانی قهقرایی حکومت مبارک برای فراهم آوردن خدمات اساسی و بی‌توجهی آشکارش به فقر و بیکاری گسترده، میلیون‌ها نفر از مردم مصر را از حکومت بیگانه کرد؛ این احساس باتوجه‌به ولخرجی متظاهرانه در میان نخبگان تجاری وابسته به جمال مبارک، تشدید شده بود» (Anderson, 2011). حکومت مصر با بحران مشروعیت، بحران کارآمدی، و بیگانگی نیروهای اجتماعی از دولت روبه‌رو بود. در چنین وضعیتی، حوادث تونس و امواج آن در جهان عرب، موج اعتراضات را در مصر هم برانگیخت (محمودزاده، ۱۳۹۴، ص ۱۰۸).

برخی از دلایل انقلاب مصر را در موارد زیر می‌توان جست‌وجو کرد:
 تحقیر مردم در ۳۰ سال دیکتاتوری مبارک؛

وضعیت بد اقتصادی و معیشتی مردم؛

وابستگی به آمریکا و روابط ویژه با رژیم صهیونیستی و به‌ویژه همراهی با تل‌آویو در محاصره و کشتار مردم غزه؛

بیماری حسنی مبارک و تلاش برای انتقال قدرت به فرزندش جمال (امیر عبداللهیان،

۱۳۹۲، ص ۱۷۵)؛

حاکمیت نظام دیکتاتوری و سرکوب شدید مردم، احزاب و گروه‌ها به‌ویژه

گروه‌های سیاسی اسلام‌گرا توسط رژیم دیکتاتوری مبارک؛

اتخاذ سیاست رشد اقتصادی در کنار سرکوب فضای سیاسی، استعداد بسیج‌پذیری

طبقه متوسط جدید را افزایش داد و این، فرصت سیاسی مهمی برای جنبش انقلاب

اسلامی مصر فراهم آورد (امیر عبداللهیان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۷).

از سال ۱۹۷۸ بیشتر جریان‌های اسلامی سیاسی مصر، از سیاست‌های رسمی

نظام سیاسی حاکم بر مصر در تأیید شاه ایران و انتقاد از انقلاب اسلامی ایران

و رهبری امام خمینی انتقاد می‌کردند (طاهری، ۱۳۸۷، ص ۱۰). تأثیر مهم انقلاب

ایران بر مصر، تقویت و تشدید جریان «بازگشت به اسلام» است که در تاریخ

مصر ریشه‌ای دیرینه دارد. «هیكل» - از روزنامه‌نگاران معروف مصر - در رابطه‌با

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر توده‌های مردم در کشورهای اسلامی، و هم‌چنین

دیدگاه‌های حضرت امام خمینی^(ره) می‌گوید:

«در سال ۱۹۷۸ در حالی که انقلاب اسلامی ایران در اوج خود بود، حکومت مصر از رژیم شاه حمایت می‌کرد و حتی فتوای دینی مبنی بر لزوم اطاعت از ولی امر [حسنی مبارک] از سوی برخی از علمای مصر صادر شده بود؛ به طوری که هنگام مصاحبه با امام خمینی^(ره) در پاریس [قبل از پیروزی انقلاب] و مصاحبه بعدی با ایشان در قم [بعد از پیروزی انقلاب] ایشان با تلخی از من پرسید که چرا بعضی از علمای دین در مصر علیه انقلاب اسلامی فتوا می‌دهند؛ در حالی که پیش از این اعراب از شرکت شاه در طرح‌های غربی در منطقه شکایت داشتند و حالا انقلاب اسلامی نه تنها ایران را از این طرح‌ها خارج ساخته، بلکه در مقابل آن‌ها به مبارزه پرداخته است. اضافه بر این اعراب از روابط ایران با اسرائیل شاکی بودند و حالا این روابط قطع شده و مقرر نمایندگی اسرائیل به سازمان آزادی‌بخش فلسطین واگذار شده است؛ بنابراین تأثیرات انقلاب اسلامی بر توده‌های مردم و جنبش‌های اسلامی انکارناپذیر است» (کدیور، ۱۳۹۴، ص ۱۲).

آنچه در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در مصر تجلی یافت و باعث سرنگونی دولت سی ساله حسنی مبارک شد، همان چیزی بود که حسن البناء، مؤسس اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ به دنبال آن بود (پورسعید، ۱۳۹۲، ص ۲۷۵). به طور کلی تأثیر انقلاب اسلامی ایران را در شکل‌گیری نهضت بازگشت به خویشتن اسلامی و احیای فکر دینی در مصر نمی‌توان انکار کرد و در این باره باید اظهار کرد که الهام‌پذیری این گروه‌ها از انقلاب اسلامی سبب تقویت مخالفان دولت مصر و شکل‌گیری نهضت اسلامی شد و با وجود حکومت پلیسی در مصر و فشارهای مختلف از درون و بیرون مصر، گروه‌های اسلامی در قالب جنبش‌های عظیم دانشجویی، اتحادیه‌های کارگری و تشکل‌های دینی و مذهبی به کار خود ادامه دادند (طاهری، ۱۳۸۷، بگانه حوزه).

۲-۳-۳- یمن و تأثیرپذیری از موج دوم بیداری اسلامی (انقلاب اسلامی ایران)
یمن کشوری عربی در خاورمیانه و جنوب غرب آسیا و در جنوب شبه جزیره عربستان

است که پایتخت آن شهر صنعاست. از وجوه اصلی ژئوکالچر یمن، بافت و ترکیب مذهبی و جمعیتی آن است. ۶۵ درصد مردم یمن، اهل سنت و شافعی مذهب‌اند و ۳۵ درصد شیعه‌اند (موسوی و باقری‌فر، ۱۳۹۴، ص ۲۱۱). هم‌چنین نزدیک به ۳۰ درصد از جمعیت شیعیان یمن را زیدیان تشکیل می‌دهند. بعد از انقلاب اسلامی ایران و تأثیرات خارجی این انقلاب و بازتاب‌های آن، به تدریج شیعه اثناعشری به یمن وارد شد (معتضدراد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۰).

مهم‌ترین جنبش مردمی یمن، جنبش و سازمان سیاسی حوثی است که از سال ۱۹۹۰ در استان صعده ابراز وجود کرد. هویت این جنبش ناشی از مرام و مسلک استکبارستیزی و صهیونیسم‌ستیزی آن است (جهان‌تیغ و همکاران، ۱۳۹۵، صص ۲۴۰-۲۴۱). بیشتر زیدی‌ها و طیف‌های مذهبی از قدرت سهمی ندارند؛ این گروه‌ها در حال حاضر از هواداران جنبش حوثی‌اند (معتضدراد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۰).

مقابله با دیکتاتوری، انحصار قدرت سیاسی، وابستگی، گسترش سکولاریسم (فوزی، ۱۳۹۱، ص ۳۱)، شکاف‌های عمیق میان رژیم عبدالله صالح و مردم و سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت علیه مردم و گروه‌های مختلف (معتضدراد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹۷) و ریاست‌جمهوری طولانی علی عبدالله صالح (رهبر حزب حاکم کنفرانس مردمی) از ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۲ (فلاح و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳) مهم‌ترین دلایل مشترک مبارزات اسلام‌گرایان شیعه و سنی علیه دولت عبدالله صالح بوده‌است. از ماه ژانویه ۲۰۱۱ و به دنبال موج اعتراضات مردمی در کشورهای عربی، هزاران نفر از جوانان معترض یمنی نیز در خیابان‌های صنعا خواهان اصلاحات ریشه‌ای و سرنگونی صالح شدند. بخشی از رهبران قبایل زیدی هم با استعفا از حزب حاکم به جرگه معارضان عبدالله صالح پیوستند. با اوج‌گیری انقلاب مردمی یمن، براساس موافقت‌نامه تنظیمی شورای همکاری خلیج فارس صالح مجبور شد از قدرت کناره‌گیری کند (فوزی، ۱۳۹۱، ص ۳۱). به دنبال ادامه ناآرامی‌ها با دخالت ریاض «عبدربه منصور هادی» معاون صالح به عنوان جانشین موقت او انتخاب شد. به دنبال آن صالح از طریق ائتلاف با حوثی‌های شیعه باعث استعفای منصور هادی شد.

همین موضوع باعث لشکرکشی عربستان به یمن برای بازگرداندن هادی به قدرت شد (شاه‌ولی بر، ۱۳۹۵، ص ۶). درکل، رژیم عبدالله صالح با چهار بحران روبه‌رو بود: مشروعیت؛ مشارکت؛ هویت؛ توزیع (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۸، صص ۲۸۸-۲۸۹).

پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد، زیدیه از جریانی سنتی و محافظه‌کار، مجدداً به جریانی انقلابی و پیشرو تبدیل شود. پس از انقلاب اسلامی ایران، بسیاری از عالمان زیدی، به‌ویژه طلبه‌های جوان، توجهی خاص به امام‌خمینی پیدا کردند. زیدی‌ها بر این اعتقادند که امام باید از نسل حسین، عالم، و قیام‌کننده با شمشیر باشد؛ بنابراین بسیاری از یمنیان، این سه شرط را در امام‌خمینی می‌دیدند و اطاعت از ایشان را واجب می‌دانستند. آن‌ها هم‌اکنون نیز این اعتقاد را دربارهٔ مقام معظم رهبری دارند (خواجسه‌سروی و شهرکی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۸).

دکتر حسن تلاشان در مقاله‌ای در «پایگاه بصیرت» برخی از تأثیرات انقلاب اسلامی بر یمن را این‌گونه مطرح کرده‌است:

احیای شیعیان زیدی: شیعیان زیدی یمن از هویت تاریخی طولانی برخوردارند. آنان بیش از هزار سال از قدرت سیاسی فراوانی در این کشور برخوردار بودند؛ تا اینکه کودتای ۱۹۶۲ علیه حکومت زیدیه و حوادث پس‌از آن، آن‌ها را در مسیر نابودی حتمی قرار داد. درحال حاضر، طرفداران احیای تفکر شیعه زیدی و امامی در یمن بسیار فعال‌اند و به شیوه‌های گوناگون، به این کار مشغول‌اند. انقلاب اسلامی نه‌تنها موجب مراجعت مجدد به زیدیه شده، بلکه موجب شده‌است تا اصول جهادی موجود در فرهنگ مذهبی آنان پررنگ‌تر از گذشته نمود یابد و جنبش «الحوثی» از دل گروه‌های شیعی این کشور، به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش‌روی دولت مرکزی تبدیل شود.

تأثیرپذیری شخصیت‌های یمنی از انقلاب اسلامی ایران: ظهور امام‌خمینی و وقوع انقلاب اسلامی ایران، و شخصیت‌های یمنی متأثر از این دو موضوع در شکل‌گیری بیداری مردم یمن مؤثر بوده‌اند. یکی از افراد تأثیرگذار در یمن، «سیدحسین الحوثی» است. در سایهٔ فعالیت‌های او عدهٔ زیادی از مردم یمن به مذهب تشیع گرویده‌اند.

گسترش شیعه دوازده امامی: تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان دوازده امامی یمن بسیار کم و پراکنده بودند. ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جهشی در این زمینه ایجاد شده و شیعیان دوازده امامی یمن برای خود تشکیلاتی ایجاد کرده‌اند. گسترش شعارهای انقلابی و ارزشی: آنچه موجب گسترش نفوذ انقلاب اسلامی ایران در بین ملل جهان شده، ارزش‌ها، شعارها و نهادهای فرهنگی آن است.

حضور فعال شیعیان در قیام مردم یمن: سرکوب شیعیان زیدی از سال ۱۹۶۲ میلادی و تحمیل شش جنگ به آن‌ها از سال ۲۰۰۴ میلادی به بعد توسط دولت یمن و با حمایت کامل عربستان و چراغ سبز آمریکا و اتحادیه اروپا، موجب بیداری بیش از پیش شیعیان شده است. حوثی‌ها پس از مقاومت جدی در جنگ‌های متعدد در مقابل ارتش یمن و ارتش سعودی، سازمان رزمی خود را حفظ کرده‌اند. آن‌ها در ماه‌های اخیر، همراه با دیگر مردم یمن در اعتراض‌های خیابانی، مشارکتی فعال و مسالمت‌آمیز داشته‌اند (تلاشان، ۱۳۹۳، پایگاه بصیرت).

۴- نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر اسلامی در جوامع مسلمانان بوده است. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روزه‌های امید، بیداری و بصیرت را در دنیای اسلام به وجود آورد. بی تردید بیداری جهان اسلام با پیروزی انقلاب اسلامی ایران معنا و مفهومی جدید پیدا کرد و از مرحله نظر به عمل و واقعیت رسید.

بیداری اسلامی در وضعیت کنونی به عنوان آگاهی‌ای جمعی با تکیه بر اراده عمومی و متأثر از اسلام اصیل تحت مدیریت جمهوری اسلامی ایران به رفتاری سیاسی تبدیل شده و در شکل ایده‌ای سیاسی سامان یافته است. تئوریزه شدن این نهضت فکری مرحله فرمولیته‌ای (حساب شده‌ای) را پشت سر گذاشته و به عنوان الگویی سیاسی رخ نموده است.

از حدود یک قرن قبل اندیشمندانی هم‌چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی در جهان اسلام ظهور کردند و ندای بازگشت به اسلام و رویارویی با فرهنگ غرب را سر دادند. در این مسیر نهضت‌ها و گروه‌هایی نیز شکل گرفت؛ از جمله حسن البنا، بنیان‌گذار اخوان المسلمین در مصر، خواهان بازگشت به اسلام اصیل شد. موج دوم بیداری اسلامی در قرن بیستم، توسط امام خمینی^(ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در قالب انقلاب اسلامی رخ نمود. میزان تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌ها و جریان‌های اسلامی یکسان و یکنواخت نبوده و براساس قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی این جنبش‌ها متفاوت بوده است.

سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در آستانهٔ چهل‌سالگی، جهان شاهد بیداری اسلامی در منطقهٔ خاورمیانه و شمال آفریقا است. در این انقلاب‌ها از جمله انقلاب‌های مصر و یمن، شعارها و اهداف مشترک است. بیداری اسلامی در کشورهای منطقه با وجود برخی تفاوت‌های جزئی دارای نقاط عطفی است که از تأثیرات گسترده و غیرقابل‌انکار هویت، ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی در این جنبش‌ها نشان دارد. در واقع آموزه‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی که براساس عدالت اجتماعی، مردم‌سالاری دینی، استقلال و آزادی توانسته است به تلفیقی از جمهوریت و اسلامیت دست یابد، الگوی پذیرفته شده از سوی بسیاری از جنبش‌ها و خیزش‌های موسوم به بیداری اسلامی است. بنابراین می‌توان گفت که ارزش‌ها و هنجارهای منبعث از انقلاب اسلامی ایران، نقطهٔ عطفی در بیداری و رهایی جهان اسلام بوده است. انقلاب اسلامی ایران با اثبات امکان‌پذیر بودن تغییر برای ملت‌های مسلمان، باعث شد تا مسلمانان از فضای رخوت و رکود ناشی از اتکا به ایدئولوژی‌های غربی و نبود الگویی برای انقلاب و حکومت دینی فاصله بگیرند و با الگوبرداری از روش‌ها و ارزش‌های انقلاب ایران، فعال شوند و مطالبات خود را جدی‌تری پیگیری کنند؛ بنابراین، ویژگی اسلامی، ضداستکباری، ضداستبدادی، و ضدطاغوتی موج سوم بیداری، این جریان را در زمرهٔ موج‌های بلند بیداری اسلامی در قرن معاصر (قرن ۲۱) قرار می‌دهد.

این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش بود که انقلاب اسلامی ایران به عنوان موج دوم بیداری، چه تأثیراتی بر موج سوم بیداری اسلامی داشته است؟ فرضیه پژوهش هم بر این مبنا قرار گرفت که تأسیس نظام سیاسی براساس مذهب و خدامحوری در ایران الگوی قیام‌های مردم منطقه برای پیاده کردن نظام سیاسی مبتنی بر اسلام شده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های موج سوم بیداری اسلامی در منطقه، وجهه اسلامی آن است. این موج، بیش و پیش از هر چیز در قالب روندی قابل تحلیل است که از سیدجمال‌الدین اسدآبادی به عنوان بیدارگری اسلامی آغاز شد. این موج، بیش و پیش از هر چیزی در جست‌وجوی راه‌حلی اسلامی برای معضلات و گره‌های کور کشورهای اسلامی است؛ جست‌وجوی کرامت، عزت، سیاست، اقتصاد، روابط اجتماعی و اخلاقی و... در درون فرهنگ و تمدن اسلامی خویشتن و نه عاریت گرفتن آن‌ها از سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از جمله فرهنگ و تمدن غربی.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فرضیه طرح شده صحیح بوده است. یافته‌ها مبین آن است که موج بیداری اسلامی پایه حکومت‌های موروثی و استبدادی، و دست‌اندازی قدرت‌های بیگانه را هدف قرار داده است و این فریادهای آزادی‌خواهانه در سراسر منطقه از تجربه موفق جمهوری اسلامی ایران الهام گرفته‌اند.

منابع فارسی

کتاب

- امیرعبداللهیان، حسین. (۱۳۹۲). *ناکارآمدی طرح خاورمیانه بزرگ در خیزش بیداری اسلامی*. (چ ۲). تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
- پورسعید، فرزاد. (۱۳۹۲). *بیداری اسلامی در جهان عرب؛ مطالعات نظری و موردی*. (چ ۲). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). *میشل فوکو و انقلاب اسلامی*. تهران: نشر مؤسسه دانش و پژوهش ایران.
- حشمت‌زاده، محمدباقر. (۱۳۷۸). *چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

- حشمت‌زاده، محمدباقر. (۱۳۸۷). *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خرم‌شاد، محمدباقر. (۱۳۸۷). *انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی: گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- عنایت، حمید. (۱۳۷۶). *سیری در اندیشه سیاسی عرب*. (چ ۵). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کدیور، جمیله. (۱۳۹۴). *مصر از زاویه‌ای دیگر*. تهران: امید ایرانیان.

مقاله

- آدمی، علی؛ یزدان‌پناه، مهدی؛ جهان‌خواه، عادل. (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و تغییر رژیم‌های عربی؛ عوامل و زمینه‌ها». فصل‌نامه *مطالعات راهبردی*، سال پانزدهم، شماره اول، بهار، شماره مسلسل ۵۵، صص ۵۹-۷۷.
- احمدی قزوینی، عباس؛ میرشفیعی لنگری، سیدابوالقاسم. (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و دومینوی تغییر حکومت در خاورمیانه». فصل‌نامه *مطالعات سیاسی*، سال پنجم، شماره ۱۷، پاییز، صص ۱۶۷-۱۹۰.
- اخوان کاظمی، بهرام؛ مشتاقی، الله‌کرم. (۱۳۹۲). «بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری». فصل‌نامه *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، سال اول، شماره ۱، صص ۳۱-۶۰.
- بشیر، حسن؛ چابکی، رامین؛ مهربانی‌فر، حسین. (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی مصر و گفتمان رسانه‌ای جهان: تحلیل گفتمان نشریات کشورهای خارجی (۶ بهمن تا ۱۶ اردیبهشت)». دوفصل‌نامه *مطالعات بیداری اسلامی*، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۶۳-۹۶.
- جهان‌بین، فرزاد. (۱۳۹۱). «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر». فصل‌نامه علمی-پژوهشی *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره سوم، تابستان.
- جهان‌تیغ، رضا؛ فرجی راد، عبدالرضا؛ سیاری، حبیب‌الله؛ سرور، رحیم. (۱۳۹۵). «تحلیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی کشور یمن در تحولات سریع نظام بین‌الملل (پیچ تاریخی)». فصل‌نامه *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ششم، شماره پیاپی ۲۳، پاییز، صص ۲۳۷-۲۴۸.
- خرم‌شاد، محمدباقر؛ کیانی، نیما. (۱۳۹۱). «تمدن اسلامی-ایرانی الهام‌بخش موج سوم بیداری اسلامی». فصل‌نامه علمی-پژوهشی *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، بهار، شماره ۲۸، صص ۲۷-۵۰.

- خواجه‌سروی، غلام‌رضا. (۱۳۹۱). «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی: وجوه تشابه و تمایز». فصل‌نامه علمی-پژوهشی *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۲۸، بهار، صص ۹۵-۱۱۰.
- خواجه‌سروی، غلام‌رضا؛ شهرکی، حامد. (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در یمن با تأکید بر جنبش الحوثی». فصل‌نامه *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره اول، تابستان، صص ۱۸۵-۲۲۰.
- خواجه‌سروی، غلام‌رضا؛ یعقوب‌نیا، حسن. (۱۳۹۲). «واکاوی نقش انقلاب اسلامی در بازآرایی بیداری اسلامی عربستان». فصل‌نامه *راهبرد*، سال بیست‌ودوم، شماره ۶۷، صص ۱۱۷-۱۳۷.
- رویوران، حسین. (۱۳۹۰). «دومینوی سقوط رهبران عرب». چاپ‌شده در خلاصه مقالات *همایش بین‌المللی بیداری اسلامی: بررسی تحولات اخیر کشورهای عربی-اسلامی از شمال آفریقا تا خاورمیانه: بسترها، چالش‌ها، پیامدها*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- سراج، رضا؛ تاجیک، هادی؛ غفوری، محسن. (۱۳۹۲). «بیداری در جهان اسلام: مفهوم‌شناسی، اهداف و شاخصه‌ها». فصل‌نامه *آفاق امنیت*، سال پنجم، شماره نوزدهم، صص ۳۹-۷۲.
- شاه‌ولی بر، عبدالکریم. (۱۳۹۵). «علل و ابعاد تصاعد بحران در غرب آسیا پس از تحولات بهار عربی (با تأکید بر نظریه برخورد تمدنی ساموئل هانتینگتون)». ماه‌نامه *پژوهش ملل*، دوره اول، شماره دوازدهم، آذر، صص ۱-۱۳.
- صالح‌العبدی، مهدیه. (۱۳۸۳). «طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش فرهنگی و اجتماعی». سعید آقا علیخانی، مترجم. چاپ‌شده در جلد دوم کتاب *مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس*.
- صالحی، جواد؛ یزدانی، حسین؛ موسی‌زاده، رضا. (۱۳۹۲). «نقش بیداری اسلامی در شمال آفریقا و خاورمیانه در تحول مفهوم حق تعیین سرنوشت». دوفصل‌نامه *مطالعات بیداری اسلامی*، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان.
- طاهری، سیدمهدی. (۱۳۸۷). «انقلاب بیدارساز: نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام». مجله *پگاه حوزه*، ۱۹ بهمن، شماره ۲۴۹، قسمت دوم و پایانی.
- فرهادی، عباس. (۱۳۹۰). «اسلام سیاسی و بیداری اسلامی: جایگاه آمریکا در نتیجه موج جدید بیداری». *مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل*، سال اول، شماره اول، مهر، صص ۷۰-۸۱.
- فلاح، محمد؛ کریمی ناوه‌کش، محسن؛ دانای طوس، مجتبی. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر بیداری اسلامی بر سقوط رژیم‌های دیکتاتور». *اولین کنفرانس بین‌المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات*

- خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری)، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- فوزی، یحیی. (۱۳۹۱). «علل شکل‌گیری و ماهیت جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه: بررسی موردی جنبش سیاسی در یمن». فصل‌نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره اول، بهار، صص ۱۷-۳۴.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ کارآزما، جواد. (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران؛ فرصت‌ها و تهدیدها». فصل‌نامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، بهار، صص ۷۷-۹۴.
- مسعودی، امیدعلی. (۱۳۹۱). «سخن‌ماه: انقلاب اسلامی ایران، ارتباطات و بیداری اسلامی». کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۵۹، بهمن، صص ۲-۳.
- معتزدراد، آناهیتا؛ قاسمیان، علی؛ مال‌زیری، زینب. (۱۳۹۲). «تحولات یمن در چارچوب نظریه محرومیت نسبی». فصل‌نامه مطالعات سیاسی، سال ششم، شماره ۲۱، پاییز، صص ۸۳-۱۰۶.
- موسوی، سیدمحمد؛ باقری‌فر، محسن. (۱۳۹۴). «نظریه سازه‌نگاری و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصارالله و انقلاب یمن». فصل‌نامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره چهاردهم، پاییز، صص ۲۰۷-۲۲۹.
- مهتدی، محمدعلی. (۱۳۸۵/۱۱/۱۶). «تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر معادلات منطقه‌ای». مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: همایش بررسی تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران.
- نجفی، موسی. (۱۳۹۱). «نظریه بیداری اسلامی براساس اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری». فصل‌نامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، بهار، شماره ۲۸، صص ۱۱-۲۶.
- نجفی، محمدصادق؛ بلندیان، غلام‌حسین. (۱۳۹۲). «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشور یمن». فصل‌نامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، تابستان، شماره ۳۳، صص ۱۸۹-۲۰۸.
- نیک‌فر، جاسب؛ عوض‌پور، مهدی. (۱۳۹۱). «دین و انقلاب‌های عربی: مطالعه موردی انقلاب مصر». فصل‌نامه دانش سیاسی و بین‌المللی، سال اول، شماره چهار، زمستان، صص ۸۳-۱۰۶.
- هاشمی‌نسب، سیدسعید. (۱۳۸۸). نشست «بررسی تحولات اخیر کشور یمن». فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره دوم، تابستان و پاییز.
- هاشمی‌نسب، سیدسعید. (۱۳۸۹). «گزارشی از روند تحولات مصر». پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره پنجم، پاییز و زمستان.

- هزاوه‌ای، سیدمرتضی. (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی در منطقه». فصل‌نامه علمی-پژوهشی *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، دوره دوم، شماره چهارم، پاییز، صص ۱۱۳-۱۴۳.

پایان‌نامه

- محمودزاده، فاطمه. (۱۳۹۴). «بررسی تحولات نظام سیاسی مصر از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای). دانشگاه آزاد شهرضا. استاد راهنما دکتر احمد آذین.

منابع اینترنتی

- بیانات رهبر معظم انقلاب به مناسبت میلاد امام حسین^(ع) در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، خانواده‌های شهدا و جانبازان شیمیایی. (۱۳۸۱/۰۷/۱۷).
- تلاشان، حسن. (۱۳۹۳/۰۷/۰۶). «انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن». *پایگاه بصیرت*، دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۲۰، <http://basirat.ir/fa/news/269820>
- طاهری، سیدمهدی. (۱۳۸۷/۱۱/۱۹). «انقلاب بیدارساز/ نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام (قسمت دوم و پایانی)». *مجله نگاه حوزه*، شماره ۲۴۹. <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/3814/6697>
- عبداللهی، محمد. (۱۳۹۲/۱۰/۱۴). «امواج بیداری اسلامی در گذر زمان». *خبرگزاری فارس*، دسترسی ۱۳۹۵/۱۰/۲۰، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921013000063>.

منابع لاتین

- Anderson, Lisa. (2011). "Demystifying the Arab Spring: Parsing the Differences Between Tunisia, Egypt, and Libya". *Foreign affairs*, 90(3), pp 2-7.
- Nordland, Rod; David D, Kirkpatrick. (2011). "Islamists' Growing Sway Raises Questions for Libya". *NewYork Times*. September 14. <https://www.nytimes.com/2011/09/15/world/africa/in-libya-islamists-growing-sway-raises-questions.html>
- Trabelsi, Mohamed Ali. (2014). "Post-political Transitions in Arab Spring Countries: The Challenges". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Volume 109, pp 250-256.